

دکتر ژان شیبانی

از: گروه آموزشی زبان و ادبیات فرانسه

داستانهای آسیائی و نقد ادبی

در ۲۸ مه ۱۸۷۴ گوپینو^۱ در نامه‌ای به ماری در اگومیس^۲ نوشت: «داستانهای آسیائی»^۳ من پایان رسید ولی تا تاریخ انتشار کتاب یعنی ۱۲ اکتبر ۱۸۷۶ ماهها سپری گشت. گوپینو که بعلت گرفتاریهای سیاسی در خارج از فرانسه بسر می‌برد، بالاخره از ناشر خود، «دیدیه» خواست که شخصاً کار نشر کتاب او را بعهده بگیرد.

متأسفانه بعد از انتشار داستانهای آسیائی نویسندگان و منتقدین معروف عصر: «پل دوسن ویکتور»، «باری دورویلی»، «بورژه»، «البرسورل»... هیچ اظهار نظری در مورد اثر تازه «گوپینو» نکردند. فقط مقاله‌ای بقلم یکی از دوستان «گوپینو» در مجله انگلیسی The Nation، بتاريخ ۷ دسامبر ۱۸۷۶ منتشر گشت که در آن نویسنده

۱- Gobineau

۲- «ماری» و «زونه» در اگومیس دو خواهر یونانی، از دوستان «گوپینو» هستند (رجوع شود به نامه‌های خطاب به زونه و ماری در اگومیس، کتابخانه ملی پاریس، کتابهای جدید به شماره‌های ۱۳۷۸۷-۱۳۷۸۹).

۳- «گوپینو»: داستانهای آسیائی چاپ «ژان گولمیه» Garnier پاریس، ۱۹۶۵
این کتاب شامل یک مقدمه و شش داستان می‌باشد: رقاصه شاماخی و قفقاز ۲ جادوگر معروف، ایرانی ۳ - داستان قنبرعلی، ایران ۴ - جنگ ترکمنها - عشاق قندهار.
۶- ماجرای سفر.

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی

شماره ۳ سال ۲۹

به آشنائی عمیق «گوبینو» به شرق اشاره کرده بود و باینکه ارزش اثر «گوبینو» در طرز نگارش نیست بلکه در محتوی آنست.

نشر این کتاب با عکس‌العملی از جانب اطرافیان نویسنده و حتی خانواده‌اش نیز مواجه نگشت و باید متذکر شد که در آن زمان دوست و مشاور همیشگی اش «کنت پروکش-اوستن» در فرانسه بسر نمیبرد. ولی پرنسس «کارولین وید گنشتاین» «گوبینو» را بخاطر اینکه در هیچ یک از آثارش شاعرتر از عشاق قندهار نبوده‌است، ستایش کرد و همچنین «کوزیما واکنر» در ۱۶ ژوئیه ۱۸۸۱ طی نامه‌ای از همسرش «واکنر» از داستان رفاصه شاماخی تمجید نمود. اما عکس‌العمل مردم چه بود؟ «گوبینو» امید موفقیت زیادی را داشت، بخصوص که در آن زمان از نظر مالی شدیداً در مضیقه بود. ولی بیست سال بعد در ۱۸۹۶ هنوز کتاب «گوبینو» در چاپخانه دیده جزو کتابهایی که بمعرض حراج گذاشته شده بودند، بفروش میرسید: از ۱۵۰ جلد آن ۱۰۹۶ جلد هنوز بفروش نرفته بود.

کتاب «گوبینو» بسال ۱۹۱۳ مجدداً بچاپ رسید، همچنین در سالهای ۱۹۲۴، ۱۹۲۷، ۱۹۳۶، و بعد از آن ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۶۳، ۱۹۶۵، به بعد به زبان اسپانیائی، آلمانی، روسی و انگلیسی (در آمریکا) ترجمه شد.

بعد از ۱۹۲۰ بود که «گوبینو» بعنوان داستان‌نویس توجه منتقدین ادبی را جلب کرد ولی آنچه در این مقاله مورد بررسی است شرق‌شناسی «گوبینو» است. «ژان - ریشار بلوک» با تصمیم بروی صحنه آوردن جادوگر مشهور^۲ اولین

۱- «پیردومنیك» Pierre Dominique ، «گوبینو» ، هنرمند، رمان نگار و داستان

نویس (Nouveau Mercure) ۱۹۲۲ .

«پل سودی» Paul Souday ، کتابهای عصر دوره دوم ۱۹۲۹ .

«الن» Alain ، گوبینوی انسانه پرداز N.R.F. اول فوریه ۱۹۳۴ .

۲- با عنوان قدرتهای جهان .

کسی بود که وابستگیهای بین «گوبینو» و شرق^۱ را توصیف نمود و بدنبال آن «شارل ویلدراک»^۲ و مستشرق معروف «ولادیرمینورسکی»^۳ (که سفری نیز به ایران کرده است) و همچنین پروفیسور «ژان هیتیه» استاد سابق زبان و ادبیات فرانسوی در دانشسرای عالی (دانشگاه سابق تهران) بسال ۱۹۳۹ کتابی منتشر کرد تحت عنوان ایران از نظر گوبینو (الجزیره ۱۹۳۹).

عدم اجازه ورود به دانشگاههای فرانسه^۴ در طی جنگ دوم جهانی و بعد از آن لطمه زیادی به شهرت «گوبینو» زد و مانع موفقیت او گشت.

«ژان باسلو» در نشریه جمعیت دوستان کتاب که در دسامبر ۱۹۵۷ منتشر گشت، عنوان «راهنمای واقعی، برای سفر به آسیا» را به «گوبینو داد.

در ۱۹۶۴ پروفیسور «ژان گولمیه» نوشت که شرق شناسی «گوبینو» افسانه‌ای بیش نیست. ده سال بعد (در ماه مه گذشته) اولین جلد یک کتاب مستند تحت عنوان گوبینو، شرق و ایران^۶، در انتشارات کلینکسیک بچاپ رسید. نویسنده‌اش پروفیسور «ژان بواسل» بود که بدنبال اقامت در ترکیه دو سفر کوتاه (اکتبر ۱۹۷۱ مه ۱۹۷۲) به ایران کرد (در این کتاب مستند، نویسنده کوشیده است تا نظر صاحب کتاب بررسی در مورد عدم مساوات بین نژادهای مختلف را بقدر و اعتبار نخستین باز آرد).

-
- ۱- «ژان ریشار بلوک» Jean -Richard Bloch، سیرهای مشابه: گوبینو ولوتی در ایران، اروپا، اول اکتبر ۱۹۲۳. *مجله مایع علوم انسانی*
 - ۲- «شارل ویلدراک» Charles Vildrac، در باب داستانهای آسیائی، همانجا.
 - ۳- «ولادیر مینورسکی» Vladimir Minorsky گوبینو و ایران، همانجا.
 - ۴- آرپا گرائی گوبینو بجای نازیسم تلقی میشد.
 - ۵- «ژان گولمیه»: افسانه‌ای بنام علم شرق شناسی گوبینو - *Australien Journal of French Studies* جلد ۱۹۶۴.
 - ۶- «ژان بواسل»: گوبینو، شرق و ایران، یک جلد. Klincksieck, Paris.

پروفسور «پیرلوی ری»^۱ نقد مناسبی برای این کتاب مستند نوشت ، تحت عنوان :
شرق افسانه شخصی گوینو ولی هیچ یک از این بررسی ها در مورد نوشته های «گوینو»
در باره ایران، شرق و آسیا قانع کننده نیست . می بایست از ایران نیز صدائی برخیزد
و این برخورد اندیشه های منقدین ایران و فرانسه در مورد «گوینو» بود که میتواندست
حقایق را روشن سازد .

آنچه تا حال گفته شد خلاصه ای از چکیده اندیشه هائی است در مورد داستانهای
آسیائی ، گرچه این کتاب از امکانات دیگر آثار «گوینو» که تقریباً تماماً در باره
ایران^۲ نوشته شد جدا نشدنی است ولی هر چه باشد نماینده شناسائی اوست در مورد آسیا و
میزان شرق شناسیش .

سفر «گوینو» به شرق

«گوینو» دوبار به ایران سفر کرد: بار اول بین سالهای ۵۸-۱۸۵۵ بعنوان
دبیر اول ، به همراه «بوره» سفیر فرانسه در ایران . در این سفر «گوینو» از مصر رهسپار
ایران شد و از طریق بوشهر به تهران آمد . در مدت اقامتش در ایران دو سال متوالی
تابستانها را در رستم آباد گذرانید و از شهر ری ، مازندران ، سواحل بحر خزر و البرز
دیدن کرد و سپس از طریق تبریز ، ارز رم ، طرابوزان (سفری که ۳۵ روز بطول
انجامید و انگیزه او در نوشتن سه سال در آسیا بود) به اروپا رفت .

دومین سفر «گوینو» به ایران بین سالهای ۱۸۶۳ و ۱۸۶۱ بود که بعنوان
سفیر به ایران آمد و اقامتش جمعاً چهارده ماه بطول انجامید : از قسطنطنیه و طرابوزان
گذشته از طریق بندر پوتی و تفلیس ، شاماخی و باکو پس از گذشتن از بحر خزر
به انزلی (بندر پهلوی) آمد و از آنجا رهسپار تهران گشت . در بازگشت به پاریس
ولکاراتا نیژنی نوگورو طی کرده و از راه مسکو به برلن رفت . مسیر هائی مختلفی که

۱- «پیرلوی ری» ، شرق ، افسانه شخصی گوینو ، نشریه دوهفتگی ادبی اول تاه ۱

ژوئن ۱۹۷۴ شماره ۱۸۸ .

۲- به فهرست این آثار در پایان مقاله مراجعه شود .

«گوبینو» اختیار میکرد کافی بود که از او یک سیاح واقعی بسازد، ولی تنها نقطه‌ای که «گوبینو» در آن اقامت گزید تهران بود و بقیه شهرهای ایران را بهتر از مصریا قفقاز نمیشناسد. گرچه حوادث جنگ ترکمن‌ها در شرق ایران اتفاق می‌افتد ولی «گوبینو» هرگز در خراسان نبوده‌است و اطلاعاتش در مورد این منطقه از ایران فقط از طریق «هازری دوکولیف دوبلوکویل»، افسر فرانسوی در دربار شاه، بود، که در اکتبر ۱۸۶۰ توسط ترکمن‌ها زندانی شد و بعد با مشکلات فراوان موفق گشت دسامبر ۱۸۶۱ از زندان رهائی یابد.

«گوبینو» ماجرای اولین سفر و اقامتش در ایران را در دو اثر خود بنامهای سه سال در آسیا و داستانهای آسیائی شرح داده و ظاهراً آنچه را که فقط در مورد خاور-میانه و حتی ایران صدق میکند به همه کشورهای قاره آسیا نسبت داده است. توصیفی که «گوبینو» از آسیا میکند در عین حال که تقریباً فاقد جنبه علمی است، خیلی کلی و مبالغه آمیز است. یک نظر کوتاه به سه سال در آسیا^۲ به خواننده میفهماند که «گوبینو» از بدو ورود به قاهره خود را در قاره آسیا تصور میکرد فقط باین دلیل که در قاهره تصویری را که ساخته و پرداخته افکار خودش بود بهنگام نگارش بررسی در مورد عدم مساوات بین نژادهای مختلف^۳ در خود پرورش داد تا اینکه تبدیل به آریاگرایی «گوبینو» گشت و مسبب واقعی شهرت نویسنده برای «گوبینو» آسیا. اندیشه‌ای است مجرد که در ضمیرش جایگزین گشته و چنان ریشه‌های عمیقی دوانیده که هر آنچه می‌تواند توجه یک مسافر خارجی را جلب نماید با آن تصویری که «گوبینو» در مغز خود پرورش داده، درهم می‌آمیزد.

۱- رجوع شود به نامه «گوبینو» خطاب به خواهرش در تاریخ ۵ آوریل ۱۸۶۲ و

آ. هیتیه صفحات ۱۶۳، ۱۶۴ و ۱۷۲.

۲- جلد اول صفحه ۴۲.

۳- مقالاتی در باره حافظ، سعدی، مولوی، جامی.

۴- اولین قسمت این کتاب در ۱۸۵۳ و در دو جلد منتشر گشت و دومین قسمت آن نیز

در دو جلد و بهنگام اقامت «گوبینو» در ایران انتشار یافت.

«گوبینو» تا زمانی که در سفر از نقطه‌ای به نقطه دیگر است نسبت به همه کسی
و همه چیز خوشبین و مطمئن است :

« از فروشندگان دوره گردی که بساط شیرینی، نان، چای و قهوه خود را روی
زمین پهن کرده‌اند» گرفته تا مهارت یک کاروان سالار، ولی ورود بیک شهر بزرگ
چنان اثری روی او گذارده و خلق و خویش را تغییر میدهد که حتی بی جهت به مستخدم
خود نیز ظنین میشود .

حقیقت سفر و تخیل آن

آیا داستانهای آسیائی که وقایع آن در ایران رخ میدهد ، نماینده واقعی
تجربیات نویسنده از سفرش به شرق است ؟ .

در داستانهای آسیائی دو داستان مربوط به ایران میباشد : جادوگر مشهور و
داستان قنبرعلی که میتوان باین دو ، واقعه جنگ ترکمنها را نیز اضافه کرد . این
سه داستان در حقیقت نشان دهنده آن چیزهایی است که در ایران توجه «گوبینو»ی
داستان نویس را جلب کرده بود .

«گوبینو» در مقدمه داستانهای آسیائی میگوید: « در این کتاب هدف من فقط
نشان دادن فقدان اصول اخلاقی در نزد مردم آسیا و همچنین میل به دروغگوئی
که بر آنها حکم روائی میکند، نیست. گرچه من به توصیف این خصوصیات علاقه مندم
ولی نباید شجاعت بعضی، صداقت افسانه‌ای بعضی دیگر، انسانیت فطری عده‌ای ،
درستکاری ذاتی عده دیگر را فراموش کرد، هم چنین در نزد بعضی حب وطن تانهایت
درجه پیشرفته است و در نزد بعضی دیگر سخاوت زیاد ، فداکاری ، عاطفه و بطور
کلی تسلیم به احساسهای مختلف در نزد همه وجود دارد و همچنین وحشت سطلق
از اولین حرکت و جنبش ، چه این جنبش خوب باشد و چه بدترین^۲ .»

۱- رجوع شود به ماجرای سفر صفحه ۳۰۴ .

۲- داستانهای آسیائی صفحه ۴ (یک ایرانی قادر نیست در برابر خواندن این نوشته‌ها

خونسردی خود را حفظ نماید) .

در واقع این بشر است که توجه «گوبینو» را جلب می‌کند ، ولی بشر در زیر ذره بین بدبینی ، بخصوص این بدبینی نویسنده بهنگامی محکوم میشود که می‌بینیم مردم قاره آسیا را افرادی معرفی کرده است که نظیر و مانندشان در اروپا یافت نمی‌شود .

« در این داستانها ، هدف نشان دادن تنوع در اندیشه آسیائی است و اینکه این روحیه و طرز فکر چه قدر و چرا با ما فاصله دارد » .

اگر «گوبینو» خود را بی طرف نشان میداد هرگز این عقیده واقع بینی او که کاملاً مناسب با اندیشه های عصر و زمان خودش است . مورد سرزنش واقع نمیشد . ولی ظاهراً او از آشکار کردن نشانه هائی از تغییر ماهیت اصلی در نزد « نخستین بنیان گذار تمدن در جهان ، اولین کشور گشایان ، نخستین دانشمندان و حکمای الهی که کره زمین بخود شناخته است ^۲ » ، نوعی احساس رضایت میکند ، ، چون در آن انگیزه های لازم را جهت اثبات تئوری خود در مورد نتایج شوم اختلاط نژاد و گرایش این ملت به « پیری » و سالخوردگی ^۲ می‌یابد .

« گوبینو » معتقد است که اختلاط نژادهای مختلف مسبب واقعی این تغییر ماهیت می‌باشد . همیشه مردم این شهرها فاسدتر از اهالی دهات هستند (به همین دلیل طی سفرش بمحض ورود بیک شهر بزرگ طرز فکر و رفتار « گوبینو » کاملاً تغییر میکرد) . بنظر « گوبینو » افغانها بطور معجزه آسایی از این آلودگیهارهائی یافته اند . « گوبینو » معتقد است که افغانها بازماندگان واقعی پارتها هستند .

نظام ارباب رعیتی و اشرافی در نزد این ملت صفا و پاکی خود را حفظ کرده و هم چنین تجربه سیاسی « گوبینو » از مشاهده جنگ بین ایران و افغانستان ، تبدیل

۱- داستانهای آسیائی صفحه ۷ .

۲- منظور ایرانیها هستند و این لقب را ولتر «Voltaire» به ایرانیان داده است .

۳- رجوع شود به صفحه ۷ کتاب داستانهای آسیائی .

بیک رؤیای حماسی گشته است و تخیلات واهی در مورد افغانستانی که هنوز سنن مربوط به عشق و شرافت در آن پایدار است .

تمجیدهای مکرر «گوینو» از این ملت برای خواننده کمی عجیب است بخصوص اگر از رابطه خیالی بین نویسنده و این کشور هم مطلع باشد ولی ابتذال زیاد داستان عشاق قندهار که در مورد افغانستان است ، تعریفهای «گوینو» را نفی میکند . بطور خلاصه «گوینو» هر واقعیتی که رنگ بدبینی او را بخود نگرفته باشد، تکذیب میکند، برای او ایران مملو از افرادی خوشبخت ولی مضحک چون قنبرعلی و بابا آقا است : انسانهایی که بنظر «گوینو» ابتذال بعضی مردم «خشن و بی مغز» و «احمق» اروپائی و فرانسوی را ندارند :

انسانهایی که «بدترین محصولات اختلاط نژادهای گوناگونی هستند که ارزشهای ممتاز ماهیت واقعی توده های مختلف را در مرداب دمکراسی غرق میکند» . در اینجا این سؤال پیش میآید که اصلاً «گوینو» چگونه از عهده انجام مسئولیتهای سیاسی خود برمی آید: زیرا ظاهراً هرگز با شخصیتهای برجسته دولتی تماسی نداشته و حتی آنها را ندیده بود .

در همان زمان «بوره» سفیر فرانسه در ایران، شرح روابط خود را با «بزرگان» ایران نوشته است باید گفت که دیدگان «گوینو» در برابر وسعت زیبایی مناظر ایران حساسیتی نداشت و حال آنکه همین مناظر «پیرلوتی» را مجذوب کرد و اثرش بسوی اصفهان انعکاسی است از همین هیجانات بصری . «گوینو» از جمله نویسندگانی نبود که در برابر این نوع زیباییها حساس باشد و هم چنان عدم حساسیت خود را در زیبایی غروب خورشیدروی کوههای ارغوانی رنگ و درخشش افسانه ای کوهها و تپه های پوشیده از برف در زیر نورماه بهنگام زمستان ، حفظ کرد . بجز توصیف کوههای قفقاز در رقاصه شاماخی و چند جمله توصیفی در ماجرای سفر ، بطور کلی طبیعت نقشی در نگارش داستانهای آسیائی بازی نکرده است . بهنگام مشاهده این مناظر «گوینو» به چه می اندیشید؟ کسی از آن مطلع نیست ، ولی بخوبی میدانیم که

«گوبینو» بهنگام نگارش داستا نهایش یک رؤیای درونی را دنبال میکند که در آن افسانه صورت واقعیت بخود میگیرد. این رؤیا خاطره نیست که در رقاصه شاماخی «گوبینو» از آن بحث میکند ولی ناشناس باقی میماند، در جادوگر معروف بنام «مادام دولاتور» معرفی شده است و در عشاق قندهار و ماجرای سفر نویسنده به نامهای «آمنه»، «جمیله» و «لوسی» از او یاد میکند «گوبینو» این زن جوان زیبا را بهنگام نوشتن اولین داستان از داستانهای آسیائی یعنی رقاصه شاماخی ادراسکهلم شناخت. تصویری از این عشق افلاطونی بصورتی زیبا و سهیج در جادوگر معروف یعنی دومین داستان از داستانهای آسیائی توصیف شده است و در پایان ماجرای سفر، تصویر و خصائل «مادام دو گوبینو» با تصویر «مادام دولاتور» مطابقت میکند: یعنی عشق جای خود را بدوستی میدهد.

«گوبینو» و شرق شناسی

آثاری که «گوبینو» در مورد ایران نوشته و ادعایش در مورد شرق شناسی، اورا غالباً بعنوان یک ایران شناس به جهانیان معرفی کرده است. از ۱۸۵۰ «گوبینو» آرزوی ورود به فرهنگستان را داشت.

در ۱۳ ژوئن ۱۸۵۶ که «گوبینو» اولین سفرش را به ایران آغاز کرده بود «پروکش» به «گوبینو» نوشت: «بهنگام بازگشت از این سفر شما یک مستشرق کامل خواهید بود و مطلب کافی برای نوشتن کتابهای متعدد خواهید داشت» بعدها «گوبینو» نامه های سرزنش آمیزی برضد مستشرقینی که نمی خواستند تحقیقات اورا در زمینه خط میخی بپذیرند، نوشت. «ژان گولمیه» در کتابش تحت عنوان افسانه ای بنام علم شرق شناسی گوبینو اشاره به عدم اطلاع صحیح «گوبینو» از زبان عرب و پارسی کرده است.

۱- رجوع شود به نامه های «مادام دولاتور»، کتابخانه ملی دانشگاه، استراسبورک،

نسخه خطی شماره ۳۵۱۷.

در دائرة المعارف فارسی - فرانسه کتابخانه استراسبورگ تعدادی واژه‌های فارسی ثبت شده است که از برداشتهای «گوینو» است. در معنی هر یک از این واژه‌ها یک لغت بزبان فرانسه بیشتر نوشته نشده و در نگارش آن هیچ ترتیب الفبائی رعایت نگشته است. بنظر می‌رسد که این واژه‌ها فهرستی از لغات روزمره است که یک مترجم ساده یا یک مستخدم آنها را به «گوینو» دیکته کرده باشد.

گرچه «گوینو» موفق به شناخت بعضی لغات مصطلح و روزمره در فارسی گشته بود ولی مسلماً کوچکترین تسلط یا حتی آشنائی به زبان اصیل پارسی نداشته است تا بتواند از عهده مطالعه و درک متنهای ادبی برآید. بهمین دلیل نوشته‌های تاریخی‌اش نشانه‌ای از خیالپردازی نویسنده است:

تاریخ پارسیان و در باب خط میخی.

در داستانهای آسیائی خواننده گاهی متوجه عدم تطبیق کامل عنوان اثر با محتوای آن میگردد هم‌چنین بکاربردن بعضی کلمات فارسی که مشابه آن در زبان فرانسه نیز وجود دارد، توسط نویسنده، مورد تعجب است:

« Son tesbyh ou chapelet »

« Un Vieux bakkal ou épicier »

« On l' appelait Loulou - Khanoum, madame la Perle »

ولی نویسنده با وجودی که مجذوب قلیان کشیدن ایرانیها گشته بود، در تمام کتاب شاره‌ای باین کلمه نمیکند در حالیکه از «tombéky ou tabac» حرف میزند.

این تکرار مکررات ارزش استعاری و توصیفی کلمات را از بین می‌برد.

ولی برای نوشتن اثری که بیشتر جنبه افسانه‌ای دارد، ادعای شرق شناسی

«گوینو» از بکار بردن لغات فارسی، عربی^۱، ترکی^۲ آنها فقط بخاطر بیگانه بودن

۱- مانند کلمه Moucharabieh (منبت کاری) در ماجرای سفر.

۲- چون کلمه Effendum (افندی) در ماجرای سفر.

کلمه ، تجاوز نکرده است . در واقع « گوینو » دنباله حاجی بابا اثر «جیمز موریه» را نوشته است .

«آنچه او (موریه) توصیف می کند، سستی و ناپایداری روح و لطافت اصول اخلاقی در نزد ایرانیهاست و بخوبی توانسته است این موضوع را پرورش داده بیان کند» .

مشاهده میشود که بار دیگر، اندیشه های واهی در مورد «آسیا» انگیزه اصلی «گوینو» در انتخاب نویسنده مورد نظر بوده است . «گوینو» در صدد تکمیل مجموعه شخصیت های داستانی مختلف ایرانی که در حاجی - بابا معرفی شده اند، نیست بلکه قهرمان «موریه» را تعقیب میکند : قنبرعلی یا بابا آقا نمونه های دیگر از حاجی بابا هستند و شخصیت حاجی بابا با کمی تغییر در میرزا قاسم خان و بی بی خانم نیز زنده میشود . مسلماً در گالری سملو از پرسوناژهای متعدد ساخته «گوینو» ، جایی برای اشراف و ادبای ایران نبوده است .

« ژان گولمیه » در باره بررسی در مورد عدم مساوات بین نژادهای مختلف می نویسد: « گوینو یک دانشمند نیست، او دنیا را با دید خیالی خود سینگرد^۲ و هم چنان در خیال و رؤیا باقیست . قلمش چه تحت تأثیر عشق باشد و چه عقل ، نویسنده خود را تماماً تسلیم این دونیروی خطا پذیر میکند» .

نباید داستانهای آسیائی را بسادگی در ردیف آثار برجسته قرارداد . بنظر «ژان گولمیه» که هرگز سفری به ایران نکرده است، داستانهای آسیائی «اسناد و مدارکی اصیل و بی نظیر در باب شناخت روحیات ایرانیان است در حالیکه تصور ماغیر از این می باشد . ما تصویر خودمان را در این کتاب نمی بینیم . این اثر «گوینو» چون آئینه ای مسخ کننده است که در آن هر آنچه نشانه ای از عقل و احساس باشد صورت کاریکاتور بخود می گیرد .

۱- داستانهای آسیائی ، صفحه ۴ .

۲- داستانهای آسیائی ، صفحه ۱۳ .

داستانهای آسیائی در واقع بیش از آنکه معرف قسمتی از آسیا باشد، شخصیت «گوبینو» را به خواننده می‌نماید. این احساس می‌باید بر همه آنها که از این پس اثر این نویسنده را خواهند خواند، غلبه کند. اگر «گوبینو» مدعیست که به شرق بیش از هر نقطه دیگر جهان علاقه‌مند است باین دلیل می‌باشد که در شرق «توسعه و انعکاس وجود حقیقتی خود را» می‌بیند.

فهرست آثار «گوبینو» درباره ایران

- ۱- رساله‌ای در باره وضع اجتماعی ایران امروز
نتیجه تحقیقات فرهنگستان علوم سیاسی و اخلاقی پایان سال ۱۸۵۶، پاریس
Duraud ۱۸۵۶ .
- ۲- سه سال در آسیا، دو جلد، پاریس Grasset ۱۹۲۲ .
- ۳- آنچه در آسیا می‌گذرد، Cahiers Libres پاریس ۱۹۲۸ .
- ۴- مذاهب و مکتبهای فلسفه در آسیای مرکزی، پاریس Grès ۱۹۲۸ .
- ۵- خواندن متون خطوط میخی، پاریس Didot ۱۸۵۸ .
- ۶- در باب خطوط میخی، پاریس Didot ۱۸۶۴ .
- ۷- تاریخ پارسیان، دو جلد، پاریس Plon ۱۸۶۹ .